



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

شرط بندی روی اسب بازنده!

در باره مذاکرات اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی

اخیر سنگسار و اعدام شدند. این استدلال اتحادیه اروپا شرم آور و یک عوامفریبی محض است. آیا این دولتها از موج اعدامهای همین یکماه اخیر خبر ندارند؟ ۲۶ مورد اعدام و سنگسار در یکماه کافی نیست تا دول اتحادیه اروپا رابطه با قاتلین مردم را ننگ بدانند؟

یک هدف مهم اتحادیه اروپا بازاریابی برای سرمایه ها و گسترش روابط تجاری با ایران است. موضوع "حقوق بشر" و اعتراض و عدم اعتراض به آن، تابعی از این منافع است. این منافع است که اتحادیه اروپا را به مذاکره "بدون پیش شرط" با یکی از دولتهای تروریست اسلامی سوق میدهد. مسئله دیگر اینست که

صفحه ۲

اتحادیه اروپا نگران وضعیت حقوق بشر در ایران نیست. "تبعیض علیه زنان و دختران" البته لحن بسیار نرم و مماشات جویانه ای است. در آن جامعه زن شهروند درجه پنجم هم محسوب نمیشود. یک آپارتاید تمام عیار جنسی حاکم است و بیش از دو دهه است که چاقو و زنجیر و اسید و سنگسار اسلامی علیه زنان، از طرف کل این حکومت و از جمله "اصلاح طلبان" مورد علاقه اتحادیه اروپا در جریان است. همین امروز ۳ زن در ایران در صف سنگسار قرار دارند و دو زن در دو هفته

طبق اظهارات اخیر مقامات اتحادیه اروپا، قرار است دور جدید مذاکرات این اتحادیه با رژیم اسلامی، بدون هیچگونه پیش شرطی، در ماه دسامبر در تهران شروع شود. موضوع این مذاکرات مساله "حقوق بشر" در ایران و "نگرانی از تبعیض علیه حقوق زنان و دختران و همچنین اقلیتهای کشور" عنوان شده، اما در عین حال، هدف این حرکت یعنی کمک به جمهوری اسلامی پنهان نشده است.

باجگیری ممنوع!

صفحه ۳

فشرده چند خبر

از سقز و بوکان

صفحه ۴



سرمدبیر: ایرج فرزاد
iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm

پست گبرو: ۲-۱۶۷۸۴۷۱

رادیو اترناسیونال

هر شب

۸ تا ۸ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

از روز یکشنبه اول مهر (۲۳ سپتامبر)

تا روز شنبه ۴ آبان (۲۶ اکتبر)

۳۱ متر برابر با

۹۹۴۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۱۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

مولفه‌های جدید اوضاع سیاسی در کردستان و پلاتفرم کار ما

(متن سخنرانی رحمان حسین زاده در نشست سیزدهم کمیته کردستان حزب)

این رژیم را نشان میدهد. فشار اعتراض و مبارزه مردم و کارگران و تعرض جوانان و بخشهای معترض جامعه، گسترش قابل‌توجهی پیدا کرده و بر جمهوری اسلامی سنگینی میکند. بر این بطن کشمکشهای درونی جناحها ابعاد تازه‌تری به خود گرفته است. جالب است از درون خودشان پرچم غیر اسلامی کردن "نظامشان" را برافراشته‌اند. موقعیت رژیم، موقعیت یک حکومت آویزان بر لبه پرتگاه است. باید پرتش کرد و این وظیفه عاجل نیروی پرت کننده است. این موقعیت ابتکار عمل نیروی سرنگونی طلب و قبل از همه حزب کمونیست کارگری را میطلبد. بازتاب موقعیت جمهوری اسلامی در

مولفه‌های جدید اوضاع سیاسی، به منظور استنتاجات مشخصی در رابطه با فعالیت دوره آتی تشکیلات کردستان است. بنا به طبیعت این نشست، موضوع بر اوضاع در کردستان متمرکز است. اما بدیهی است که اوضاع در آنجا در خود قابل بررسی نیست، بلکه بازتاب اوضاع سیاسی سراسر ایران و به نظم فاکتورهای منطقی و مشخصا پیامدهای جنگ احتمالی آمریکا علیه عراق را باید مد نظر داشت. جمهوری اسلامی وضعیت بسیار شکنندگی پیدا کرده است. فاکتها، نموده‌ها، مشاهدات، همه نشانهایی از دوران فروپاشی و سقوط و اضمحلال



قصه من بررسی عمومی اوضاع سیاسی نیست. حزب ما به تفصیل در رابطه با اوضاع سیاسی گفته و نوشته است و لازم به تکرار نمی‌بینم. همچنانکه از عنوان مبحث پیاداست، اشاره به

مخالفین خواست استقلال کردستان عراق چه کسانی هستند؟!

کرد بوده است، گفتند که "کرد"ها هم دارند صاحب دولت خودشان میشوند، درایت و صلح دوستی رهبرانشان را تحسین گفتند و... بحث بر سر این مساله از محدوده محافل ناسیونالیست کرد، چه نوع اسلامیش و چه عشیره ای و چه غرب نشین شرقگرا، تجاوز کرد و به محافل سران دول منطقه بسط داده شد. همان روز اول مسعود بارزانی و جلال طالبانی

بعد از نشست مشترک دو حزب اتحادیه میهنی کردستان (یکیتی) و حزب دمکرات کردستان (پارتی) به تاریخ چهارم اکتبر، که آنرا نشست "پارلمان" نامیدند، دور دیگر از هیاهو و جنجال را در میان ناسیونالیستهای کرد برانگیخت. پیامهای تیریک رد و بدل کردند، رقص و پایکوبی و هل‌هل کردند، گفتند که نقطه عطف تاریخ "ملت"



عبدالله شریفی

گفتند که قصدشان اعلام هیچ تحولی نیست و صرفا به اجرای قرارداد واشنگتن مبادرت کرده اند، گفتند که در جلسه پارلمانشان از تمامیت ارضی عراق دفاع کرده اند و به عنوان بخشی از خاک عراق به چاره جویی نشستند. گفتند که عراقی یکپارچه، دمکرات و فدرالی میخواهند و با دول همسایه همان هستند که تابه حال بوده اند... ظاهرا این مساله باعث

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

◀ مولفه های جدید ...

جدید و پتانسیل بالایی از سر برآوردن خشم و نفرت دیرینه مردم است که هر زمان میتواند جهشی سراپای این رژیم را زیر ضرب بگیرد. به تاثیر از چنین فضای اعتراضی، زندانیان شهر مهاباد که با هزار قید و بند اسیر دست این رژیم سفاک هستند، دست به شورش زدند و توجه عموم را به خود جلب کردند و عکس العمل مقامات رژیم از رئیس کل قوه قضائیه شان تا مقامات استان و غیره ترس و دستپاچگی جدی رژیم را نشان داد.

- اتفاق مهم حضور عبدالله داریبی عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در شهر مریوان، ابراز وجود یکی از رهبران شناخته شده اپوزیسیون سیاسی رادیکال و کمونیست در میان مردم و مهمتر اجتماع علنی وسیع مردم، بدون در نظر گرفتن آمادبهاشهای نظامی رژیم در همان دوران و عملا به تمسخر گرفتن هارت و پورتهای هفته قبل تر رحیم صفوی در سنجند را نشان داد. این واقعه مناسبات جدید بین مردم و حزب کمونیست

شرط بندی روی اسب بازنده!

اینها هم فهمیده اند که مردم ایران دارند کار این حکومت را تمام میکنند. کمک به "اصلاح طلبان" یعنی مقابله با مبارزه مردم علیه این حکومت و تلاش برای بقاء آن. اما نه خاتمی و دو خرداد و نه هیچ جناح دیگر این رژیم توان و امکان فرستادن مردم به خانه و تبدیل ایران به جزیره کار ارزان و کسب سود را برای سرمایه های اروپائی و غیر اروپائی ندارد. اتحادیه اروپا دارد روی اسب بازنده شرط بندی میکند. مردم ایران اسلام و جمهوری اسلامی نمیخواهند. این رژیم روزهای آخرش را میگذراند.

این سیاست اتحادیه اروپا از نظر مردم ایران از جمله "زنان و دختران" و از نظر هر انسان آزادیخواهی در هر کجای دنیا محکوم است و قاطعانه باید افشا شود. حزب کمونیست کارگری شیدیدا این سیاست ارتجاعی و دشمنی آشکار با مبارزه آزادیخواهان مردم ایران را محکوم میکند و افکار عمومی جهان را به اعتراض علیه آن فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ اکتبر ۲۰۰۲

کارگری و جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشت. نفی و نقض حاکمیت جمهوری اسلامی ولو برای مدت کوتاهی پیام اصلی این حرکت بود. این را میشود به عنوان آغازی بر تحول مهمتر برچیدن جمهوری اسلامی نگریست.

- طرح موضوع به اصطلاح "مذاکره" جمهوری اسلامی با حزب دمکرات که اینروزها مطرح شده، به اوضاع کنونی مربوط است. نگرانی جمهوری اسلامی از اینکه کنترل اوضاع را در کردستان از دست بدهد، بسیار واقعی است، به همین دلیل در فکر ایجاد رابطه با حزب دمکرات است تا به عنوان سویاپ اطمینان در روزهای "اضطراری" از همکاری و همسویی و بده وستان با این حزب بهره مند باشد. حزب دمکرات هم که استعداد بالایی در سازش و بند و بست از خود نشان داده، سیر تحولی را در جامعه میطلبد که امکان ابراز وجود مردم و سیاست رادیکال و انقلابی و حضور چپ و کمونیسم کارگری به حداقل ممکن برسد. چنین اهدافی از دو سو آنها را در جهت "فاهم و سازش" سوق میدهد. میخوام بگویم وزنه تحرک رادیکال مردم، دورنمای قدرت گیری مردم و چپ و جریان کمونیستی توطئه "سازش و مذاکره" را به

میان کشیده است. همین مشاهدات اوضاع جدیدی را منعکس میکند. در کنار اینها به فاکتور منطقی تحول آمریکا - عراق و پیامدهای آن باید توجه داشت. طبعاً وقوع جنگ آمریکا علیه عراق چنانکه منجر به تغییر نظام سیاسی در عراق بشود، تاثیرات همهجانبهای برسیمای سیاسی منطقه و بر ایران هم خواهد داشت، که بررسی آن در اینجا مدنظر نیست. یکی از تاثیرات آن بر کردستان ایران خواهد بود. با پیشروی طرح آمریکا در عراق، کردستان عراق بسیار بیش از موقعیت فعلی به پایگاه و منطقه نفوذ آمریکا تبدیل خواهد شد. آمریکا از این موقعیت به عنوان اهرم فشار مستقیم علیه جمهوری اسلامی استفاده خواهد کرد. موقعیت جمهوری اسلامی در کردستان ایران بی ثبات تر خواهد شد و فکر میکنم حزب دمکرات هم در جریان و دارودستانی که استعداد منطبق شدن با سیاستهای آمریکا را دارند، به عنوان ابزاری در دست آمریکا نقش ایفا خواهند کرد.

میخوام نتیجه بگیرم که تحت تاثیر بازتاب اوضاع سیاسی سراسری در ایران، تحرک و جنب و جوش رادیکال مردم، وزنه سنگین چپ و کمونیسم کارگری، ابراز وجود مستقیم احزاب سیاسی و پتانسیل حزب کمونیست کارگری در کنار

زدن و برچیدن جمهوری اسلامی و پیامدهای جنگ آمریکا علیه عراق، وارد دوره جدید سیاسی و شرایط بعضاً متفاوت سیاسی در کردستان شده ایم. خصوصیات این دوره را باید شناخت و جوابگوی نیازهای ایندوره بود. اگر بخواهم اثرات احتمالی این وضعیت را در چند محور هم دسته بندی کنم، به اینها اشاره خواهم کرد. ۱- میتوان تصور کرد در دوره آتی (۶ ماه یا یکسال آتی) پروسه بر چیدن رژیم اسلامی و دم و دستگاه نظامی و انتظامی و اداری آن زودتر از بقیه مناطق ایران شروع و در ابعاد گسترده عملی شود و در عمل حاکمیت سیاه رژیم کنار زده شود. حزب کمونیست کارگری میتواند پرچمدار این مبارزه و این روند باشد. ما میتوانیم مبتکر این پروسه و به میدان آوردن مردم جهت به سرانجام رساندن آن باشیم. اما در کنار این، روند سازش و بند و بست با جمهوری اسلامی، روند کنترل مردم، روند از زیر ضرب مردم بدر بردن دم و دستگاه رژیم در کردستان نیز وجود دارد و از هم اکنون آثار آن پیداست و شاید آینده با وضوح بیشتر نشان دهد که حزب دمکرات پرچمدار این روند خواهد شد. با اتکا به مردم این روند را هم باید خنثی کرد.

۲- موضوع جابجایی قدرت امری محتمل است. اینکه انتقال قدرت چه شکلی به خود خواهد گرفت، طبعاً مسیر سر راستی ندارد و دقیقاً به نقش و جایگاه جنبشها و احزاب سیاسی حاضر در صحنه مربوط است. احزاب سیاسی از چپ و راست برای گرفتن قدرت سیاسی خیز برداشته اند. البته هرکدام به شکل و شیوه خاص خود. چنانکه جنبش رادیکال و سوسیالیستی و ما به مثابه حزب کمونیست کارگری با هوشیاری و درایت و با تشخیص فرصتها و نقطعظمتها در میدان باشیم، میتوانیم به اراده مردم متکی شویم و انتقال قدرت به مردم را تضمین کنیم. میتوانیم قدرت را بگیریم و فوراً این قدرت را به اراده نمایندگان مستقیم مردم، به ابزار سر راست آن شوراهای مردم متکی کنیم. میتوانیم با اینکار سناریوهای دیگر انتقال قدرت به ضرر مردم را خنثی کنیم. سناریوهای دیگری هم محتملند. در مقابل رادیکالسم و چپ و کمونیسم کارگری، ناسیونالیسم کرد و حزب مربوطه اش حزب دمکرات دنبال به دست گرفتن قدرت هستند. آنها به تغییر و تحول ازبلا چشم دوخته اند. هم برای این موضوع حساب باز کرده اند، که سیر تحولات و اضمحلال جمهوری اسلامی آنها را در موقعیت به دست گرفتن قدرت قرار دهد و هم اینکه جابجایی قدرت در نتیجه بند و بست جمهوری اسلامی و حزب دمکرات یک احتمال است. در شرایط خاصی شریک شدن حزب دمکرات در

اداره امور کردستان با جمهوری اسلامی ممکن است. (تمام محتوای خودمختاری شریک شدن در اداره امور با دولت های مرکزی است). در شرایطی که جمهوری اسلامی امیدی به اعمال قدرت یگانه خود نداشته باشد، به منظور کنترل مردم و کانالیزه شدن فعل و انفعالات در بالا ممکن است حزب دمکرات را در اداره امور سهیم کند. اینکه چنین سناریویی در فضای زنده سیاسی کردستان و ایران و با حضور فعال کمونیسم کارگری ناکام خواهد ماند، محتمل بودن آن را در فرصتهای بسیار کوتاه مدت منتفی نخواهد کرد و لازمست هوشیارانه آن را خنثی کرد. چراغ سبز "مذاکره" در خدمت چنین سناریویی برای آینده است.

نقشه دوره آتی ما

در انطباق با وضعیت مشخصی که تصویر کردیم، تشکیلات حزب در کردستان باید نقشه روشنی در دوره آتی داشته باشد. منظورم از نقشه روشن لیست کردن همه کارهای روتینی که باید انجام دهیم و یا به آن مشغولیم نیست. اینها لازمست باید انجام شوند، ما مدتهاست گفتیم که دوران کار روتین نیست به نظرم دوره کنونی دوره وارد شدن در رابطه با موضوع تعیین تکلیف قدرت در جامعه است. این دوره پیچیدگیها و الزامات خود را دارد. هر دوره باید فوکوسهای سیاسی اساسی و محورهای دگرگون ساز فعالیت را برجسته کرد و بر آن تمرکز کرد و مداوما هم اوضاع و هم این محورهای اساسی را بازبینی و تدقیق کرد. در دوره آتی اهم پلاتفرم ما را مسائل زیر تشکیل میدهند.

- فوکوسهای سیاسی:

الف - پروسه برچیدن رژیم در کردستان شروع میشود. حزب ما باید و میتواند ابتکار مبارزه برای برچیدن نهادها و ساختارهای سیاسی، نظامی و اداری جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. این جهت گیری را در مطالبات روشن و در پراتیک اجتماعی و تودهای گسترده میتوانیم معنی کنیم و پیشاپیش جنبش اعتراضی وسیع، دم و دستگاه رژیم را باید عقب رانده و بی اثر نمود و نهایتاً به حاکمیت جمهوری اسلامی پایان داد.

ب- توطئه کنترل از بالای حرکت مردم، سد کردن طرحهای بند و بست و سازش جمهوری اسلامی و حزب دمکرات، طرحهای مقابله با مبارزه رادیکال مردم و جنبش و نیروی چپ و کمونیستی را با دقت و هوشیاری باید خنثی کرد. موضوع "مذاکره" در همین چارچوب مردود است. این دوره، مهر سرنگونی جمهوری اسلامی را بر خود دارد،

توطئه مذاکره چیزی جز شکست برای صاحبانش به ارمغان نمی آورد.

ج- پروژه فرهنگی "ملی - اسلامی" موجود در کردستان و مبتکران نهادها و نشریات و انستیتوهای آن که همگی در طول حاکمیت جمهوری اسلامی جزو پیکره جمهوری اسلامی بوده، بیش از پیش لازمست زیر نقد و افشاکاری بگیریم. این پروژه به بستر مشترک ناسیونالیسم کرد و ارتجاع اسلامی و اهداف جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این پروژه در خدمت تداوم حاکمیت و حضور جمهوری اسلامی در کردستان است. این دست ما را باز گذاشته تا این پروژه ارتجاعی را به تمام معنا و در همه ابعاد رسواکنیم. حزب دمکرات هم جهت و حامی این پروژه و نه تنها این بلکه از مزدوران متشکل در "فراکسیون نمایندگان کرد" هم حمایت کرده و به خاطر این سیاستش تحت فشار و نقد هم قرار نگرفته است. این کمبود اساسی را در دوره آتی باید جبران کنیم.

- نقش مستقیم حزب: یکی از نتیجه گیریهای بحثمان ابراز وجود مستقیم احزاب سیاسی در صحنه سیاست کردستان است. هر ناظر خارجی منصف هم میتواند، قضاوت کند که حزب ما و تشکیلات کردستان نقش فعالی در فضای سیاسی کردستان به عهده داریم. دوره جدید نقش جنبی را از حزب و تشکیلات کردستان و شخصیت های شناخته شده آن میطلبد. مسئله اینست ما باید تغییر دهنده تناسب قوا به نفع مبارزه مردم و قدرت گیری مردم باشیم. معنای عملی چنین جهتی، یعنی تشخیص فرصتهای تحول بخش و جوابگویی به آن و بعلاوه ایجاد فرصتهای دگرگون کننده و داشتن طرح و نقشه همه جانبه سیاسی، اجتماعی، سازمانی منطبق با آن. از جمله تداوم و تکرار حضور رهبران شناخته شده حزب در شهرها و در میان مردم، مشابه آنچه عبدالله داریبی انجام داد. عجزین شدن حزب با تحركات اعتراضی تودهای معین و مهم. ایجاد تغییر اساسی در تشکیلات محل در شهرها که ضمن حفظ آکتیویسم و سرزندگی و شادابی آن، با جذب بیشتر رهبران عملی اعتراض اجتماعی، وسیع، دم و دستگاه رژیم را باید عقب رانده و بی اثر نمود و نهایتاً به حاکمیت جمهوری اسلامی پایان داد.

ب- توطئه کنترل از بالای حرکت مردم، سد کردن طرحهای بند و بست و سازش جمهوری اسلامی و حزب دمکرات، طرحهای مقابله با مبارزه رادیکال مردم و جنبش و نیروی چپ و کمونیستی را با دقت و هوشیاری باید خنثی کرد. موضوع "مذاکره" در همین چارچوب مردود است. این دوره، مهر سرنگونی جمهوری اسلامی را بر خود دارد،



باجگیری ممنوع!

در باره روشهای مافیائی سازمان
زحمتکشان برای اخاذی از مردم



ایرج فرزاد

مقطع و دوره‌ای از تاریخ کومله ربطی ندارند و سازمانی است که از طریق گروهکشی، پول جلال طالبانی و دلالی صلاح مهدی به منظور راه اندازی یک باند سرسپرده و زودست اتحادیه میهنی سرهم بندی شدند. روی آوری سازمان زحمتکشان به باجگیری و تهدید و ارباب برای اخاذی از مردم نشان دهنده این حقیقت است که این باند مافیائی هیچ جایگاهی در میان مردم آزادیخواه کردستان ندارند. به نظر میرسد بی ظرفیتی یک دارودسته صراحتاً قوم پرست و بشدت فالانژ و غیر سیاسی برای کارهای شدن حتی در همان کریدورهای آبدارخانه جلال طالبانی، اینها را از وعده‌های حمایت مالی پدروخوانده خوشنام شان بی بهره کرده است. روی آوری به راهزنی سیاسی و باج گیری مافیائی برگ دیگری از شکست پروژه اینها برای قالب کردن خود بنام کومله است.

اما وقاحت سران باند زحمتکشان حد و مرزی نمی شناسد. در گفتار رادیویی روز یکشنبه خود صراحتاً اعلام میکنند که آنها قاتل به دو نوع سرمایه دار، دو نوع ثروتمند، و دو نوع صاحب ملک و مالاند: شرافتمند و دوستان "شورش" کردستان و ناشرافتمند و مخالفین این شورش. حضرات دسته اول را محترم و در صف مردم کردستان قرار داده‌اند که به حرف و نصایح آنها نیز گوش میدهند. دسته دوم کسانی هستند که به "شورش" کمک نمیکنند و لاجرم عوامل اطلاعات رژیم و یا از سردستهای توزیع کننده مواد مخدرند. سازمان زحمتکشان هیچ شرمی بخود راه نمیدهد که صراحتاً اعلام کند که اسامی کسانی را که

به باجگیریهای آنان گردن نگذارند، بعنوان عوامل اطلاعات و رژیمی افشا خواهند کرد (همچنانکه در گفتار رادیویی مذکور اسم دو نفر را در سندج اعلام میکنند) و بلافاصله تهدید میکنند که چنان افرادی "تنبیه" و "جریمه" نیز خواهند شد. این مشق نویسی‌های ناشیانه سازمان زحمتکشان از روی سرخطهای "مام" جلال است. اینها تصور کرده‌اند که کردستان ایران و مردم آن نیز زیر مهمیز و سلطه ناسیونالیسم و احزاب ناسیونالیست قرار دارد. فکر کرده‌اند لاید همانطور که فلان سرعشیره کردستان عراق بعد از سالها خدمت به نیروهای بعث، میتواند با نامهای از جلال طالبانی "دوست شورش کردستان" شود، درست همانطور که مباشرین و سرکرده‌های نیروهای مسلح محلی رژیم بعث میشود با حکومت جلال طالبانی اعلام اخوت کند و خود را از پاسخگویی به مردم بی نیاز ببیند، در کردستان ایران هم میشود به اتکا اسلحه و نیروی مسلح یک جماعت تازه به دوران رسیده فالانژ ناسیونالیست، از طریق باجگیری برای صف "دوستان شورش" یارگیری کرد. اینها از سر بیگانگی با مردم کردستان و نادیده پنداشتن نفوذ اجتماعی کمونیستها، به بعث در این رویای ارتجاعی سیر میکنند که گویا میتوانند سناریو احزاب ناسیونالیست کردستان عراق را با مردم کردستان ایران نیز آزمایش کنند.

با اینحال من یک بار دیگر به مردم کردستان اعلام میکنم که سازمان زحمتکشان یک سازمان سیاسی نیست، حتی یک سازمان متعارف راست و ناسیونالیست نیست. اینها یک باند مافیائی و در پی تجربه کردن یک سناریو سیاه فدرالیسم قومی‌اند. گروهگیری حرمت و شخصیت انسانها برای اخاذی، و حکم صادر کردن برای جریمه و تنبیه این و آن از هر قشر و طبقه‌ای که باشد از نظر ما نیز فاقد هر نوع مشروعیتی است. اینها خود از متعرضین به

حقوق مردم، ناقض اصول و پرنسیپهای فعالیت و مبارزه احزاب سیاسی چه راست و ناسیونالیست، و یا چپ و کمونیست هستند و مطلقاً صلاحیت صدور هیچ حکمی را علیه هیچ شهروندی ندارند. مبارزه برای انحلال و برچیدن یک دارودسته مسلح و رسماً قلمچاق و باجگیر و لومپن از حقوق پایهای مردم کردستان است. اگر قرار است کسی و یا کسانی بخاطر تلاش علیه حقوق مردم کردستان پاسخگو باشند و در جایگاه متهمین "تنبیه" و "جریمه" شوند، سران دارودسته زحمتکشان از جمله چنین "کدخدایان مشمول" هستند.

تهدیدات و بازی با حقوق و حرمت و حیثیت شهروندان کردستان ایران از سوی سازمان راه اندازی شده توسط جلال طالبانی فاقد هر نوع مشروعیت است.

رادیو سازمان زحمتکشان اهانت‌های زخمی از قبیل همسوئی با رحیم صفوی، دفاع از عوامل اطلاعات رژیم و پشتیبانی از باندهای پخش مواد مخدر را بسوی رهبری کومله پرتاب کرد. رهبری کومله تا کی انتظار دارد که مردم کردستان ارزیابی آنها از سازمان زحمتکشان را بعنوان جرایمی که از کمونیسم فاصله گرفتند، از آنها بپذیرند. آیا هنگامی که سازمان زحمتکشان رسماً و علناً با بکار بردن سخفرتین کلمات لومپنی به مخالفین خود و از جمله به کومله برخورد میکنند، هنوز افشای این دارودسته بعنوان یک جریان باند سیاهی، لومپن و ضد هر جلوه‌ای از حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی و حق بیان و اندیشه نیاز به حسابگری دارد؟ آیا رهبری کومله باین ترتیب قصد ندارد مرز خود را با "افراطیگری" کمونیسم کارگری کامکان حفظ و به امید واهی رفع انحراف "راست روی" در سازمان زحمتکشان، راه مماشات و سازش و کنار آمدن با سازمان باجگیر زحمتکشان را مفتوح نگاه دارد؟ رهبری کومله چپ و کمونیسم ادعائی را برای چه زمانی میخواهد؟

جنبش اسلامی در اروپا کودکان را در مدارس اسلامی به بند کشیده است و حقوق جهانشمول زنان و کودکان را بکمک تهدیدها و فتوای امام جمعه ناموسی، تماماً لگدمال کرده است و سر دیگر آن در ایران و افغانستان و الجزایر شکم زنان بی حجاب را پاره میکند، کودکان معصوم را از خنده و شادی و رقص و شنا و معاشرت با همکلاسی هایشان محروم میکند، آزادیخواهان و کمونیستها را هزار هزار میکشد، فتوای قتل این و آن را صادر میکند و اعتصابات کارگری را قلع و قمع میکند. اینها نه رفاه و آزادی مردم را میخواهند و نه سر سوزنی به بشریت مترقی تعلق دارند. اینها نماینده مردم عراق و فلسطین و الجزایر و مصر و ایران و افغانستان نیستند. اینها خود معضل اصلی صدها میلیون انسان در خاور میانه و شمال آفریقا هستند. اینها مردم زیادی را به جرم آزاداندیشی، به جرم زن بودن، به جرم یهودی بودن، به جرم اعتصاب و اعتراض به خاک و خون کشیده اند.

در مبارزه علیه تروریسم آمریکا و ناتو، در مبارزه علیه آدمگشی بوش و بلر اجازه ندهیم اسلام سیاسی و دار و دسته های اسلامی عرض اندام کنند.

به صف ما بیونید و از حقوق مدنی مردم، از حقوق زنان، از آزادیهای سیاسی و جنبش سکولار مردم منطقه حمایت کنید.

حزب کمونیست کارگری ایران

بر اساس محورهای بالا اقدامات کنکرت و فوری را استنتاج میکنیم. پروژه‌ها و ماموریت‌های لازم تدقیق خواهد شد و وظایف معین بخشهای سیاسی و تبلیغی، اعم از رادیو و نشریه، تشکیلات شهرها، تشکیلات نظامی، سازمان مالی، و غیره را مشخص میکنیم. موفق باشید.

- **امکانسازی مالی:** فعالیت و نقشه کار تشکیلات کردستان گسترش و تحول جدی را در چشم‌انداز دارد. پروژه‌ها و اقدامات پرهزینه‌ای را به دنبال دارد. در نتیجه با تمام توان همه ما و با اتکا به حمایتی که انتظارش را داریم، پول و کمک مالی جمع کنیم. تک تک ما لازمست به منبع امکانسازی برای تامین هزینه مالی کارهایمان تبدیل شویم. در این رابطه قرارها و توافقات قبلی‌مان را باید با جدیت بیشتر پیگیری کنیم.

دارد که همگان از آن اطلاع دارند. ما در این رابطه گامهای معینی برداشتیم. اما میدانیم کافی نیست. در ایندوره گسترش ایجاد واحدهای مسلح حزب در شهرها در چارچوب موازین و دستورالعمل روشنی که داریم، تامین تجهیزات و امکانات نظامی مورد نیاز، و اقدامات دیگری که اجازه می‌خواهیم در اینجا وارد جوانب مختلف آن نشوم، مجموعه اقداماتی در جهت افزایش توانایی نظامی حزب است.

محیط کار و زندگی و در هر جا که تجمع و تشکل و نهاد توده‌ای ضروریست، از اهمیت اساسی در ایندوره برخوردار است.

- **گسترش پتانسیل ابراز وجود نظامی:** ما به خوبی میدانیم حزب سیاسی و اجتماعی جدی در جامعه کردستان قطعاً باید از پتانسیل ابراز وجود نظامی بالا برخوردار باشد. لازم نیست به دلایل آن بپردازم و بارها در این رابطه صحبت کرده‌ام و حزب در این رابطه مصوبه روشنی

مؤلفه‌های جدید ۰۰۰

مردم هستیم. تناسب قوا به ما نشان میدهد، که دوره به میدان کشیدن حرکت‌های اعتراضی گسترده و بسیج نیروی توده مردم برای مطالباتشان و علیه جمهوری اسلامی است. ما باید مبتکر چنین حرکتی باشیم و در این بستر سازماندهی تشکلهای توده‌ای، تمرکز بر مجامع عمومی و شوراها و احیای اتحادیه و کانون و نهادهای مختلف، در

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

فشرده چند خبر از سقز و بوکان

بوکان:

رسول حسنزاده کودک ۱۱ ساله جان باخت

روز یکشنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۱ (۲۰ اکتبر ۲۰۰۱) در محله مجبورآباد بوکان ۲ کودک ۱۱ و ۱۳ ساله در موقع غذا خوردن با هم دعوایشان میشود. طبق اخبار رسیده در نتیجه این دعوا متأسفانه رسول حسنزاده که برادر کوچکتر است در این ماجرا خفه میشود.

پدر و مادر این دو کودک هر روز برای امرار معاش مجبورند به باغهای اطراف بروند و کارگری کنند و بچهها جبرا در خانه تنها میمانند. جنازه رسول روز دوشنبه ۲۹ مهر تحویل خانوادهاش داده میشود. دادگاه جمهوری اسلامی در شهر بوکان به خانواده رسول

میگوید، چنانچه پدر راضی باشد پسر دیگرش را به جرم قتل برادرش اعدام خواهند کرد. نباید اجازه داد که رژیم، جنایت و قتل نفس و قصاص اسلامی را بعنوان اجرای "عدالت" به مردم تحمیل کند. ما بدینوسیله ضمن تأسف عمیق خود از این ماجرای دردناک مرگ رسول را به خانواده و بستگان تسلیت میگوییم.

بوکان:

مردم با نیروهای رژیم درگیر شدند:

روز جمعه ۲۶ مهر ماه ۱۳۸۱ (۱۸ اکتبر ۲۰۰۲) در شهر بوکان پشت محله کمربندی مردم به دخالت کردن پلیس ۱۱۰ در مسائل آنها اعتراض میکنند و

با آنها درگیر میشوند. کلانتری ۱۱ به کمک مزدوران رژیم میاید و درگیری وسعت پیدا میکند و هر لحظه به تعداد مردم افزوده میشود. مردم باتوم یکی از افراد رژیم را که به مردم میزند گرفته و شیشههای ماشین کلانتری ۱۱ را هم میشکنند. نیروهای رژیم بیشتر میشود و مردم را از محل دور کرده و چند نفر را هم دستگیر میکنند.

بوکان:

روز جمعه ۵ مهر ماه بعد از مسابقه فوتبال تیم بوکان و میروان میان مسئولین تربیت بدنی بوکان و تیم فوتبال این شهر درگیری لفظی صورت میگیرد که در ادامه نیروهای رژیم دخالت میکنند. با دخالت نیروهای رژیم صدها نفر از مردمی که در محل مسابقه جمع شده بودند با سنگ و چوب به مقابله با مزدوران رژیم میپردازند.

شارزور و بیتواته گرفته اند، دستورات را از میت ترکیه و رحیم صفوی و اطلاعات جمهوری اسلامی دریافت کرده اند. در سایه محاصره اقتصادی مردم عراق و از گرسنگی مردن کودک و سالمند و بیرو جوان سرمایه گذاری کرده اند. این خیمه شب بازی در این شرایط تنها یادآوری قواعد بازی به همدیگر است. غرب و ترکیه و ایران و حتی صدام میدانند که احزاب ناسیونالیست کرد اهل دولتداری و این نوع حرفها نیستند، جریاناتی که در قیاس با احزاب و دولتهایی که اکنون در دنیا به وفور پیدا میشوند و از قضا صدتاشان ده شاهی نمی آرزند، هم عقب ترند. عشیره سازمانداده شده اند که سر کار آمدنشان با معادلات غرب و عراق بود و مبنای جنگ و دوستیانشان روابط دول منطقه میباشد. این یکی از تهران و آن یکی از آنکارا دستور میگیرد از پایوس آخوندها تا سر به درگاه میت و صدام ساییدن، با هم رقابت دارند. همانگونه که جنگ و دعوایشان انعکاس سیاستهای دول منطقه دوستی و هم پیمانیشان هم همینطور، بی شک بی ربطی این جریانات راجع به صلح و حقوق مردم کردستان بر کسی پوشیده نیست. هر چند که دست برداشتن از سر مردم و به هر صورتی "دوستیشان" بر جنگ و ویرانگریشان ارجحیت دارد، اما برای کسی جای باور نیستند. در فردای کشتار مردم عراق و کردستان از طرف ملیتاریسم آمریکا و دست و پا زدن صدام و دخالت ترکیه و غیره باز بعید نیست که جنگی به مراتب خونینتر با هم نداشته باشند و وضعیت تیره کنونی را صد چندان نکنند. اینها همه، پرسوناژهای ریز و درشت

در این جریان شیشههای ماشین تربیت بدنی بوکان نیز شکسته شد.

بوکان:

کارفرمای کارخانه پفک نمکی بوکان (پوریای شفاف) کارخانه را به آتش کشید

مدتی است اعتراضاتی از جانب کارگران کارخانه پفکنمکی بوکان بدلیل عدم پرداخت حقوقهایشان در جریان است. کارگران در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهایشان روزهای ۴، ۵، ۶ و ۷ آبان دست از کار کشیدند و تا کنون نیز چند بار به اداره کار مراجعه کردهاند. صاحب کار به کمک اداره کار ۳ نفر از کارگران معترض را اخراج میکند. این شرکت ۱۰ نفر کارگر دارد و سرانجام هفته گذشته صاحب کار

کارخانه را آتش زد و اعلام کرد که ورشکست شده است. اعتراضات کارگران برای پرداخت حقوقهایشان همچنان ادامه دارد.

سقز:

مردم در اعتراض به مزدوران رژیم شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سردادند

دو هفته پیش گشت ۱۱۰ در سقز چند نفر را به جرم اینکه جنس قاچاق دارند تعقیب کرده و آنها را دستگیر میکنند. افراد دستگیر شده از مردم طلب کمک میکنند که فوری مردم به کمک آنها میشتابند. تعداد مردم بیشتر میشود و سرانجام شعار علیه رژیم سر میدهند. از جمله شعارهای آنها مرگ بر جمهوری اسلامی بوده است. رژیم از ترس وسعت اعتراضات مردم دستگیرشدگان را همانجا آزاد میکند. □

اکنون وقوع حمله نظامی به عراق، مخاطراتی که سرنوشت مردم عراق را تهدید میکند به همان میزان مردم کردستان عراق را نیز جدا تهدید میکند. بعید نیست که فدرالیستهای اسلامی و ناسیونالیستهای کرد و قوم پرستان ترک مدافع سیاستهای شورونستی دولت ترکیه میدان باز کنند تا دور دیگر از کشتار و رنج بی پایان به مردم تحمیل کنند. سر کار آوردن ژنرال دیگر آمریکایی، لویی جرگه عراقی و هر شکل دیگر از بالا، هم همین محصنه را به دنبال دارد. اما نیروی آزادیخواه و مردم جان به لب رسیده، در عراق و کردستان اگر چه به عقب رانده شده اند، اما نیرویی جدی است و مورد حمایت افکار عمومی جهان متممن است. اگر این نیرو به میدان بیاید و در سرنوشت خود دخالت کند این جریانات به ابزارهایی بی مصرف تبدیل میشوند و به حاشیه رانده میشوند. کلید این معما در دست مردم آزادیخواه است. □

۲۰ اکتبر ۲۰۰۲

کمیته کردستان

دبیر کمیته:

رحمان حسینزاده

Email:

r_hoseinzadeh@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۸۵۵۸۳۷

مسئول دبیرخانه:

محمد آسنگران

تلفن: ۰۰۴۹۱۷۸۵۱۹۹۶۰۵

Email:

asangaran@aol.com